

گفت‌وگوی «وطن امروز» با جواد افشار کارگردان سریال «کیمیا»

## کیمیای دفاع مقدس



اردوغان، کنترل خود را بر کشور از دست داده است

## ترکیه و سوریه را با هم می‌بازد

بدر پاش با تأکید بر مقاومت‌سازی اقتصاد:

## جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت همخوانی ندارد

وزیر بهداشت:

## برنامه‌ای برای ریزگردها نداریم

### عصیبت سیاسی

حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لویسانی \*



عصیبت خطری است که ما را تهدید می‌کند. تعبیرهایی چون قلاتی برادر من است، من است، هم است، هم گروه دوست، هم مسلک من است، همین‌طور تا آخر است، فرزند مراد من است و همین‌طور تا آخر که هم‌شاه گروه‌بازی و حقه‌بازی است، جایی برای حق و ایمان نمی‌گذارد! حتی چه بسا از حق دفاع کنیم، اما نه به دلیل اینکه حق است، بلکه طرفداری از گروه مورد علاقه مانست. پس در واقع ما از حق دفاع نمی‌کنیم، بلکه از هم‌گروه خود دفاع می‌کنیم و در این صورت چقدر دوریم از حق! معلوم است که اینگونه نمی‌توان اخلاق اسلامی را در جامعه پیاده کرد و خدا را خواند.

اما عصیبت هم ۲ طرف دارد، کسی که تعصب می‌ورزد و کسی که برای او تعصب ورزیده می‌شود. هشتاد امام صادق(ع) را که از زبان مبارک پیامبر خدا(ص) بیان شده است، مدنظر قرار دهیم: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کسی که تعصب ورزد یا برای او تعصب روا شود، ایمان از گردن او برداشته شده است.» [الکافی: ۳۰۷/۲ - ۳۰۸] خیلی روایت عجیب و هشداردهنده‌ای است. تعصب‌کنندگان بداندند و بخوانند، آثانی که برایشان عصیبت می‌شود هم بداندند و بخوانند، هر دو از ایمان بیرون رفته‌اند. اگر من دیدم کسی دارد از من یا تعصب دفاع می‌کند، حتی اگر حق با من باشد، باید با صراحت بگویم که او در اشتباه است، زیرا او از حق دفاع نمی‌کند. اگر نه من هم گرفتار حمیت جاهلی شدم و ایمان را رها کرده و به باطل روی آوردم. آزادی از ایمان یعنی اینکه ارتباط من با خدا قطع شده است و پناه می‌بریم از اینکه با عصیبت ارتباط خود با خدا را قطع کنیم.

ببینید رسول خدا(ص) درباره چنین افرادی چه می‌فرماید: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْذَلٍ مِنْ عَصِيْبَةٍ يَتَّبِعُهَا اللهُ يَسُوْمُ الْقِيَامَةَ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ هر کس در قلبش به اندازه دانه‌ای خیلی ریز عصیبت باشد، خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث می‌فرماید.» [الکافی: ۳۰۸/۲] هشدارها را جدی بگیریم، ما مبعوث شدن با اعراب جاهلی؟! اسلام از جایی آغاز می‌شود که جاهلیت پایان می‌یابد و بعد ما به سوی جاهلیت برگردیم!؟

ادامه در صفحه ۵

وقتی روباه پیر صفبندی خود در خبرگان را لو می‌دهد

# ضد انگلیسی‌ها

چرا انگلیسی‌ها مخالف آیات احمد جنتی، محمد یزدی و محمد تقی مصباح یزدی هستند؟



اصلاح‌طلبان فاقد حتی یک اقتصاددان در لیست

### لیست سیاسی یا مردمی؟

کمیته‌های دیوانی: ۲ سال نگاه دانشجوی روحانی و همراهانش در دولت بسر خروج از رکود تأکید داشتند، اگرچه مردم هیچ تغییر اقتصادی را حس نمی‌کردند و پس از ۲ سال نامه ۴ وزیر اقتصادی دولت در مرز واقعت حرکت و اعلام کرد اقتصاد نه‌تنها از رکود خارج نشده بلکه در مرز بحران به سر می‌برد و همین نامه باعث شد دولت دست از دروغ بزرگ خروج از رکود برداشته و به سمت شفافیت قدم بردارد. این رکود در وضعیتی است که تورم نیز به شکل فشار از بالا در حال کنترل است اما با وجود این کنترل تورم، در یک بی‌انضباطی مالی، حجم پول یا به اصطلاح پایه پولی در همین دولت یازدهم از ۹۰ هزار به ۱۵۰ هزار رسیده است، یعنی تقریباً ۶۰ درصد پایه پولی کشور در همین ۲ سال افزایش پیدا کرده است که با توجه به شرایط عدم رونق، عدم تولید و کنترل تورم این حجم پول به قله‌های ثروت که فسادزا هستند افزوده بتواند جوابگوی مشکلات کشور باشد.

این در حالی است که اتفاقاً تأکید لیست «ائتلاف اصلاح‌طلبان و حامیان دولت» آن است که می‌خواهیم یاور دولت باشیم و دولتی که امروز به نام «دولت رکود» شناخته می‌شود بیش از همه نیازمند کمک‌هایی در حوزه بهبود وضعیت اقتصادی است اما لیست اینجمنی نشان می‌دهد مسیر دولت در سیاسی تصمیم گرفتن درباره اقتصاد مردم در مجلس نیز ادامه پیدا خواهد کرد اگر لیست حامیان دولت و اصلاح‌طلبان وارد مجلس شود. این را می‌توان از مواضع انتخاباتی سرلیست اصلاح‌طلبان به خوبی دریافت، چنانکه وی در نطق انتخاباتی خود اعلام کرده است: «اولویت اصلاح‌طلبان پس از ورود به مجلس مساله رفع حصر است» و این به معنای آن است که برای اصلاح‌طلبان مساله اقتصادی مردم اصلاً در اولویت قرار ندارد.

www.vatanemrooz.ir

ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰



## از بازتعریف مفاهیم تا بازیابی در اصول

دکتر علیرضا داوودی

نومحافظه‌کاران و سیاست خارجی یا «اتحاد شکست‌خورده‌گان»

ایران نمایان شده، محصول پیوند ۲ گروهی است که پس از خرداد ۷۶ به‌واسطه سرمستی افسارگسیخته پیروزان انتخابات در مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند؛ انفکاک که بر اساس اندیشه متفاوت که بیشتر به واسطه قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی و انحصارطلبی بیشتر این دو گروه بود و مرزهای دقیقی نداشت. محصول این انفکاک شروع هجوم شدید تبلیغاتی «اصلاح‌طلبان» به رقیبی بود که در ادبیات خود با نام «محافظه‌کاران» شناسایی می‌شدند. آنچه از خرداد ۷۶ تا خرداد ۹۲ رخ داد مجموعه اتفاقاتی بود که گام به گام این دو گروه را به هم نزدیک‌تر و در نهایت زمینه اتحاد حداقلی را فراهم کرد.

محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان ۲ دوره از ریاست جمهوری نظام جمهوری اسلامی را در اختیار داشتند که در هر کدام می‌توان یک شکست بزرگ را شناسایی کرد که هر شکست چرخش مهمی در جهت‌گیری سیاسی و اقبال عمومی مردم ایجاد کرد تا جایی که هر دو به مرز ورشکستگی کامل و حذف از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی رسیدند و در نهایت قلب از تپش ایستاده آنها با شوک ناشی از پیوندی کم‌فروغ و انشعاقی گسترده در اردوگاه رقیب، تپیدن را در دولت کنونی با شعار جدید اعتدال آغاز کرد. دولت‌سازندگی که به دنبال ترمیم ویرانه‌های حاصل از جنگ و ایجاد جامعه‌ای بهره‌مند از رفاه اقتصادی نسبی بود، در پایان راه شکست بزرگی در این زمینه را تجربه کرد و علاوه بر اقتصاد فلج و ناتوان، برای عرصه اجتماع نیز چیزی جز «قدرت‌طلبی بیگار شیک»، «سرکوب مخالفان» و «ژر بین بردن سرمایه اجتماعی» در پی نداشت و اینگونه شکست اقتدارطلبی به وسیله شعارهای آزادی‌محور و ادعاهای توسعه سیاسی رقم خورد. اصلاحات نیز به‌رغم طلوع حیرت‌انگیز خود نتوانست مسیری را برای حفظ اعتماد مردم طی کند اما مهم‌ترین شکست این گروه نه در عرصه داخلی که از بعد بین‌المللی و از منظر غرور ملی بود که بارها و بارها توسط ابرقدرت‌های پوزشالی جهان شکسته شد. تلاش بی‌ثمر اصلاحات در تنش‌زدایی و همکاری با نهادها و قدرت‌های بین‌المللی نتایج جز تهدیدها و تحقیرهای روزافزون مستکبران عالم در پی نداشت که در نهایت ملت ایران را به سمتی سوق داد تا به دنبال بازسازی تصویر قدرتمند خود در جهان، حفظ و تحمیل استقلال ملی بر استکبار جهانی و افزایش قدرت ملی در عرصه منطقه‌ای و جهانی باشند. نتیجه این شکست، عبور از اصلاحات و طلوع دوران اصولگرایی بود.

طلوع اصولگرایی برای نومحافظه‌کاران کنونی، ابتدا چیزی جز هیجانات زودگذر ملی و سیاست‌های تصویربستی عده‌ای تازه به دوران رسیده نمی‌نمود که می‌توان نشانه‌های آن را به وفور در دوران انتخابات ۸۴ (بویزه برخی برنامه‌های تبلیغاتی آن ایام) و پس از آن مشاهده کرد اما گذر زمان و سیاست‌های دولت نهم که هم برنامه‌های اقتصادی بزرگی را اجرا کرده بود و هم در عرصه بین‌المللی بر غرور و اقتدار ایران افزوده بود و در تمام زمینه‌ها استقلال و عزت ایران را افزایش داده بود باعث شد شکست‌خورده‌گان برای مقابله با رقیب مشترک ائتلاف منفعت‌محور خود را سامان دهند. آنچه در انتخابات ۸۸ و فتنه پس از آن گذشت اوج مقابله ۲ تفکر سنتی (اصلاحات-محافظه‌کاران) با اصولگرایی بود که محصول آن عیان شدن فاصله تحلیلی این دو گروه با واقعیت جامعه بود. این آغازی بود برای یک تغییر استراتژیک که منجر به ظهور «نومحافظه‌کاری» شد و با استفاده از تشتت اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲، قدرت را جا به جا کرد.

نومحافظه‌کاران برای تمام ابعاد اداره کشور نیازمند بازیابی و تغییر در اسلوب گذشته بودند که در نوشتار حاضر به بررسی یک بعد مهم آن یعنی سیاست خارجی خواهیم پرداخت.

سیاست خارجی نومحافظه‌کاران برای درک سیاست خارجی نومحافظه‌کاران و ویژگی‌های آن باید ابتدا اندکی به ریشه‌های آن پرداخت و از مقدمات حصول آن سخن گفت که بازگشت آن به دوران دولت اصلاحات و شکست سیاست خارجی این دولت بازمی‌گردد.

ادامه در صفحه ۵